

ترجمه‌ای از دوران قاجار*

یکی دیگر از مترجمان دوران قاجار ابوالقاسم خان قراگوزلو، ناصرالملک (۱۲۸۲-۱۳۴۶ هـ ق / ۱۳۰۶ هـ ش) است. او که تحصیل کرده آکسفورد بود دو نمایشنامه از شکسپیر را به فارسی ترجمه کرده است. اتللو و بازرگان ونیزی. این دو ترجمه نخستین بار به همت پسر او حسینقلی قراگوزلو در سال ۱۳۳۷ هـ ق در پاریس منتشر شد و انتشارات نیمای اصفهان آن را در سال ۱۳۴۶ دیگر بار منتشر کرد. حسینقلی قراگوزلو در مقدمه این کتاب چنین نوشته است:

"مرحوم ابوالقاسم خان ناصرالملک پس از تصدی نیابت سلطنت در سال ۱۲۹۳ شمسی به سن ۵۸ سالگی عازم اروپا گردید. شبی در حضور جمعی از دوستان که نزد ایشان گرد می‌آمدند و از هر دری سخن می‌راندند، صحبت از شاعر انگلیسی ویلیام شکسپیر به میان آمد و یکی از حضار اظهار نمود که ترجمه منظومات و نقل معانی و عبارات آن شاعر شهیر به زبان فارسی امکان‌پذیر نمی‌باشد. ناصرالملک با این عقیده موافق نبود و از راه آزمایش و تفنن در صدد برآمد چند سطر از یکی از آثار آن نویسنده را ترجمه نماید و بدین منظور تصادفاً نمایشنامه اتللو انتخاب گردید. تفریح یک شب و ترجمه چند جمله ایشان را بر آن داشت که تمام داستان را به فارسی درآورد و به فاصله چند سال بر اثر اصرار دوستان به ترجمه بازرگان و ندیک پردازد."

Scene ii

Desdemona's chamber.

Enter OTHELLO with a light; and DESDEMONA in her bed.

OTHELLO It is the cause, it is the cause, my soul.

Let me not name it to you. you chaste stars.

It is the cause. Yet I'll not shed her blood,
Nor scar that whiter skin of hers than snow,
And smooth as monunental alabaster.

اطاق خوابی در قلعه، دزدمونا در بستر خوابیده چراغ میسوزد.

مجلس دوم

اتلُو عَلت این است ایدل - این است عَلت که بشما اختران پاک نشایدم گفت - این است عَلت. با اینهمه خونش را نخواهم ریخت و بدنش را که از برف سفیدتر و از مرمر بتگران صاف‌تر

* با تشکر از همکار محترم آقای مختاری اردکانی که این ترجمه را همراه مقدمه‌اش برای ما ارسال کرده‌اند. مترجم

Yet she must die, else she'll betray more men.
 Put out the light, and then put out the light.
 If I quench thee, thou flaming minister,
 I can again thy former light restore,
 Should I repent me; but once put out the light,
 Thou cunning'st pattern of excelling nature,
 I know not where is that Promethean heat
 That can the light relume. When I have plucked the rose,
 I cannot give it vital growth again;
 It needs must winter. I'll smell thee on the tree.

[Kisses her

O balmy breath, that dost almost persuade
 Justice to break her sword. One more, one more!
 Be thus when thou art dead, and I will kill thee,
 And love thee after. One more, and that's the last.
 So sweet was ne'er so fatal. I must weep,
 But they are cruel tears. This sorrow's heavenly;
 It strikes where it doth love. She wakes.

DESDEMONA Who's there? Othello?

O^THELLO Ay, Desdemona.

DESDEMONA Will you come to bed, my lord?

O^THELLO Have you prayed tonight, Desdemon?

DESDEMONA Ay, my lord.

است زخم‌دار نخواهم کرد. ولی باید ناگزیر کشته شود وگرنه بدیگران جفا خواهد کرد. چراغ را خاموش کنم پس چراغ او را خاموش کنم. ای شمع فروزان اگر تو را بکشم وانگه پشیمان گردم باز روشنت توانم کرد اما ای نقش شگفت صنع آفرینش هرگاه تو را فروغ نماند کجا است آن شعله جان پرور که این روشنایی را از نو برافروزد. چون دستم گل را چید دیگر بار خرمی به آن نتوانم بخشید، باید ناگزیر پژمرده گردد. پس آن را برگلبنش خواهم بوید (او را میبوسد). ای نکهت دهان، تو چنان که دادگر را به شکستن شمشیر خود وادار گردانی! باز یک بوسه، یکی دیگر. پس از مردن چنین باش که هستی. نخست خواهمت کشت و سپس بتو عشق ورزید. بوسه دیگر و این آخرین باشد. هرگز بوسه به این شیرینی چنین بدفرجام نبوده. بایدم گریست اما سرشکم از دل سنگین برمی‌آید. درد و اندوهم آسمانی است، میکشد آن را که دوست میدارد. بیدار شد.

کیست آنجا؟ اتلو؟

دزد مونا

بلی دزد مونا.

اتلو

میخواهید بخوابید؟

دزد مونا

دزد مونا امشب دعا خوانده؟

اتلو

بلی آقا.

دزد مونا

OTHELLO If you bethink yourself of any crime
Unreconciled as yet to heaven and grace,
Solicit for it straight.

DESDEMONA Alack, my lord, what may you mean by that?

OTHELLO Well, do it, and be brief; I will walk by.
I would not kill thy unprepared spirit.
No, heavens forfend, I would not kill thy soul.

DESDEMONA Talk you of killing?

OTHELLO Ay, I do. Then heaven

DESDEMONA Have mercy on me!

OTHELLO Amen, with all my heart.

DESDEMONA If you say so, I hope you will not kill me.

OTHELLO Humh.

DESDEMONA And yet I fear you; for you're fatal then
When your eyes roll so. Why I should fear I know not,
Since guiltiness I know not; but yet I feel I fear.

OTHELLO Think on thy sins.

DESDEMONA They are loves I bear to you.

OTHELLO Ay, and for that thou diest.

اگر گناهی در خود میدانی که از آن توبه نکرده و هنوز آمرزش نخواستی زود دست بدعا
بردار.
دزدمونا ایوای، آقا چه میخواهید بگویید؟
اتلو دعا کن و بکوتاهی بکوش منم اینجا راه میروم. نمیخواهم برگ رفتن نساخته جانم را
بگیرم مباد جان تو گرفتار عذاب شود.
دزدمونا از کشتن میگویید؟
اتلو بلی.
دزدمونا پس خدا بمن رحم کند!
اتلو از جان و دل آمین.
دزدمونا حالا که چنین میگویید امیدوارم مرا نکشید.
اتلو اهم!
دزدمونا با وجود این از شما میترسم چون هرگاه چشمهای شما بگردش درمی آید خونریزی از شما
میتراود. چرا باید بترسم نمیدانم زیرا گناهی در خود نمی شناسم، باز می بینم ترسانم.
اتلو از گناهانت بیندیش
دزدمونا گناه عشقی است که بشما دارم.
اتلو های، و برای این خواهی مرد.

- DESDEMONA That death's unnatural that kills for loving.
Alas, why gnaw you so your nether lip?
 Some bloody passion shakes your very frame.
 These are portents; but yet I hope, I hope,
 They do not point on me.
- OTHELLO Peace, and be still.
- DESDEMONA I will so. What's the matter?
- OTHELLO That handkerchief which I so loved and gave thee,
 Thou gav'st to Cassio.
- DESDEMONA No, by my life and soul!
 Send for the man and ask him.
- OTHELLO Sweet soul, take heed,
 Take heed of perjury; thou art on the deathbed.
- DESDEMONA Ay, but not yet to die.
- OTHELLO Presently.
 Therefore confess thee freely of the sin,
 For tho deny each article with oath
 Cannot remove nor choke the strong conception
 That I do groan withal. Thou art to die.
- DESDEMONA Then Lord have mercy on me!
- OTHELLO I say, amen.

- دزدمونا بجرم عشق کشته شدن روا نیست. آخ! این لب گزیدن چراست؟ شور خونریزی تن شما را
 بلرزه درآورده. این علامت شوم است، امیدوارم من هدف بلا نباشم.
- اتلو خاموش و آرام باش.
- دزدمونا بچشم اما چه روی داده؟
- اتلو دستمالی که نزد من چنان عزیز بود و بتو دادم به کاسیو بخشیده.
- دزدمونا نه به جان و عمرم قسم! بفرستید بیاید از او جویا بشوید.
- اتلو جان شیرین زینهار از سوگند دروغ، زینهار، در بستر مرگ هستی.
- دزدمونا ولی هنوز وقت مردنم نیست.
- اتلو بلی هم اکنون. پس آشکار بگناهت اقرار کن. از اینکه هر جمله را به قسم انکار نمایی
 عقیده سختی که دارم و خود از آن در فغانم دیگرگون و از سر بیرون نخواهد شد.
- دزدمونا پس خدا بمن رحم کند!
- اتلو باز میگویم آمین.